پارسیان دژ
تاریخ، فرهنگ و میراث ایران

مجموعهٔ مقاله‌ها
نسخهٔ ماندگار

آثار باستانی و ارزش های تاریخی

بیستون - افسانه ی شیرین و فرهاد

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی
انتشار: ۲۶ بهمن ۱۳۹۲ · ۳ دقیقه مطالعه

چکیدهٔ مقاله

سالها گذشت و ایرانیان فکر می کردند کتیبه های بیستون را فرهاد کنده تا به شیرین برسد و اگر دقیق گوش می کردند می توانستند صدای تیشه های فرهاد را که هنوز در میان سنگها طنین داشت را بشنوند .قرنها گذشت تا چند اروپایی گذرشان به دیواره بیستون رسید و نوشته های فارسی باستان آنرا کپی برداری کردند و دست به ترجمه آن زدند و متوجه شدندو شدیم که کتیبه های بیستون به دستور چه کسی کنده شده است و فرهاد این محل آن فرهاد کوه کن نیست.برخورد علمی اروپاییان مارا از عشق شیرین بیرون آورد و صدای تیشه های فرهاد که از گوش شا

پارسیان دژ / آثار باستانی و ارزش های تاریخی

سالها گذشت و ایرانیان فکر می کردند کتیبه های بیستون را فرهاد کنده تا به شیرین برسد و اگر دقیق گوش می کردند می توانستند صدای تیشه های فرهاد را که هنوز در میان سنگها طنین داشت را بشنوند .قرنها گذشت تا چند اروپایی گذرشان به دیواره بیستون رسید و نوشته های فارسی باستان آنرا کپی برداری کردند و دست به ترجمه آن زدند و متوجه شدندو شدیم که کتیبه های بیستون به دستور چه کسی کنده شده است و فرهاد این محل آن فرهاد کوه کن نیست.برخورد علمی اروپاییان مارا از عشق شیرین بیرون آورد و صدای تیشه های فرهاد که از گوش شاعران و عاشقان ایرانی بیرون نمی رفت دیگر شنیده نمی شود ..

منظره کوه بیستون

خسرو پرویز شاه ساسانی یکی از شاهان قدرتمند این سلسله است و اورشلیم را در سال 614 و سپس مصر را از امپراتوری همسایه یعنی امپراتوری بیزانس می گیرد.او پیروزیهای خود را در بیستون بر سنگ می کند واین رفتار شاهان قبلی خود را ادامه می دهد.ولی قبل از پایان کار اعراب می رسند وکار ساسانیان خاتمه میگیرد

افسانه شیرین و فرهاد وخسرو توسط نظامی گنجوی نوشته شده -شاعری که کشور آذربایجان او را از مفاخر خود می داند - البته مدلهای مختلفی از این افسانه وجود دارد .در اینجا خلاصه ای از آن گفته می شود

خسرو پرویز مانند شاهان دیگر چندین همسر داشت که بیشتر از همه به دختری زیبا به نام شیرین علاقه مند بود اما خسرو تنها کسی نبود که عاشق شیرین بود و شخصی به نام فرهاد کوه کن نیز دلباخته شیرین بود. او از شاه

نمی ترسید و برای شیرین نامه های عاشقانه و شعر می فرستاد.شیرین ابتدا می خواهد او را از خود براند ولی بالاخره او هم عاشق فرهاد می شود. خسرو که از داستان مطلع می شود فرهاد را تبعید می کند و به او می گوید اگر در کوه بیستون چاهی بکند و به آب برسد شیرین را به او می دهد

فرهاد سالها به کندن کوه مشغول می شود تا اینکه روزی ارتش ایران را می بیند که از پای کوه بیستون رد می شوند.او از ارتشیان در مورد شاه سئوال می کند و آنها می گویند که خسرو هنوز شاه است و شیرین همسر اوست.فرهاد از این شنیده خوشحال می شود زیرا او سالیان سال از شیرین خبری نداشت ولی او نیمی از کوه را کنده بود و هنوز به آب نرسیده بود. چند سال دیگر باید کوه را بکند؟ او برای بدست آوردن مهر شاه سنگ نگاره بزرگی در کوه می کند که خسرو را به شاهی و دشمنان او را در ذلت نشان می دهد. او همچنان به شیرین فکر می کند و چاه را به اتمام می رساند و به آب می رسد. تیشه خود را کنار می گذارد و برای شاه پیغام موفقیت خود را می فرستد. خسرو که پیر شده بود و دیگر جوانمردی گذشته خود را نداشت زنی سالخورده را پیش فرهاد می فرستد و می گوید شیرین همین چند روز پیش مرده است..فرهاد که پس از سالها رنج کشیدن توقع این خبر را نداشت ناراحت می شود و خود را از بالای سنگ پرت می کند و میمیرد. از طرفی شیرین هم که این خبر را می شنود خود را دار می زند و او هم می میرد و داستان این عشق پایان می یابد.

سنگ نگاره بیستون

سنگ نگاره بیستون

برگرفته شده ار اطلس ایران

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «بیستون - افسانه ی شیرین و فرهاد»، پارسیان دژ، ۱۳۹۲.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وب‌سایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

https://parsiandej.ir/articles/1480/pdf/بیستون-افسانه-ی-شیرین-و-فرهاد.pdf

آخرین ویرایش مقاله: ۲۷ مهر ۱۳۹۹